

درجه آزادی اقتصاد ایران از دید بنیاد هریتیج

از سال 1995 بنیاد هریتیج³ شاخصی تحت عنوان شاخص آزادی⁴ اقتصادی تهیه می کند و کشورهای جهان را از نظر اینکه تا چه اندازه آزاد و باز هستند رتبه بندی می کند. از نظر بنیاد هریتیج ده عامل عمده وجود دارد که از تلفیق این ده شاخص می توان به محاسبه آزادی اقتصادی دست یافت. این ده عامل به قرار زیرند:

- 1- فساد - میزان فساد در دستگاه های اداری، گمرک، قضایی و بوروکراسی دولت - فرض اینست که هرچه اقتصاد غیرآزاد و بسته تر باشد، به همان میزان بوروکراسی و فساد اداری بیشتر است.
- 2- موانع غیر تعرفه ای تجارت - موانع غیرتعرفه ای همانند بوروکراسی گمرک، مجوزهای متعدد، سهمیه بندی واردات، ممنوعیت واردات و موانعی از این قبیل مرزهای کشور را به سوی اقتصاد جهانی می بندد و درجه آزادی اقتصادی را پائین می آورد.
- 3- محدودیت های اعمال شده از ناحیه بودجه دولت - بودجه دولت نیز نقش مهمی در آزاد و باز بودن اقتصاد یک کشور دارد. هرچه نرخهای مالیاتی کم و مناسب باشند و هزینه های دولت بخش عمده ای از اقتصاد را در برنگیرد اقتصاد آزادانه تر عمل می کند.
- 4- حاکمیت قانون - قابلیت اطمینان، ضمانت اجرایی و حمایت دستگاه قضایی از قانون از عوامل مهم حاکمیت قانون و در پرتو آن عملکرد صحیح بازار آزاد است.
- 5- محدودیت های قانونی - ایجاد محدودیت های قانونی بر فعالیت های کسب و کار از قبیل بهداشت، محیط زیست و ایمنی می تواند در اختلال نظام بازار سهم داشته باشد.
- 6- محدودیت نظام بانکی - وجود نظام بانکی گسترده با فعالیت های متنوع و عملکرد آزادانه نظام بانکی از حوزه های بسیار مهم در درجه آزادی اقتصادی یک کشور است.
- 7- قوانین بازار کار - هرچه بازار کار سیال تر و انعطاف پذیرتر باشد اقتصاد آزادتر است. وجود قوانین متعدد و محدود کننده در بازار کار شرایط آزادی اقتصادی را محدود می کند.
- 8- فعالیت در بازار سیاه - گستردگی بازار سیاه یا بازارهای زیر زمینی، قاچاق، گستردگی گروه های اقتصادی همه موجب محدود کردن آزادی اقتصادی می شوند.

³ - Heritage Foundation

⁴ - Index of Economic Freedom

برای سنجش آزادی اقتصادی از میان عوامل یاد شده 10 عامل سنجش پذیر انتخاب شده است که برای هر عامل چندین متغیر در نظر گرفته شده است که با کمی کردن این متغیرها می توان به درجه آزادی اقتصاد کشور از نظر این ده عامل پی برد. ضمناً از بدست آوردن میانگین امتیازات ده عامل شاخص آزادی اقتصادی کشورها بدست آمده است. در ادامه به این ده عامل و متغیرهای تشکیل دهنده آن می پردازیم.

عامل اول – سیاستهای تجاری

مفهوم اصلی در این عامل این است که تا چه اندازه کشور از نظر مرادوات اقتصادی با کشورهای دیگر جهان آزادانه عمل می کند. بنیاد هریتیج برای سنجش میزان آزادی و کارآمدی سیاستهای تجاری از 3 متغیر به شرح زیر استفاده کرده است:

- 1- نرخ میانگین موزون تعرفه های گمرکی
- 2- موانع غیر تعرفه ای
- 3- فساد در دستگاه گمرکی کشور

عامل دوم – محدودیت های بودجه دولت

یکی از بزرگترین محرکهای اقتصادی در اقتصاد یک کشور چگونگی بودجه دولت است. هرچه هزینه های دولت بخش عمده ای از تقاضای اقتصاد را ایجاد نماید، درجه آزادی بخش خصوصی و بازار کاهش می یابد. ضمناً دولت از طریق وصول مالیاتهای زیاد و دریافت نامناسب مالیاتها در عملکرد بازار آزاد دخالت می کند. برای سنجش این عامل از چهار متغیر زیر استفاده شده است:

- 1- بالاترین نرخ مالیات بر درآمد
- 2- نرخ میانگین مالیات بر درآمد
- 3- نرخ مالیات بر درآمد شرکتها
- 4- هزینه های دولت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی

عامل سوم – دخالت دولت در اقتصاد

هرچه دخالت دولت در اقتصاد از طریق افزایش هزینه ها، سلب مالکیت و گسترده کردن مالکیت دولتی و سرمایه گذاری دولتی بیشتر شود، آزادی عمل اقتصادی کمتر می شود. برای سنجش این عامل از 4 متغیر استفاده شده است:

- 1- هزینه های مصرفی دولت در کل اقتصاد
- 2- میزان مالکیت دولت در شرکتها و کارخانجات

- 3- درصدي از درآمد دولت که از شرکتهای دولتي بدست مي آيد.
- 4- توليد اقتصادي که توسط دولت ايجاد مي شود.

عامل چهارم – سياست پولی

در این عامل هدف اینست که هرچه نوسانات قیمت ها کمتر باشد اقتصاد با ثبات تر و از آزادي عمل بیشتری برخوردار است. از اینرو در محاسبه این عامل تنها از متغیر زیر استفاده شده است:

- نرخ تورم میانگین موزون شده برای سالهای 1992-2001

عامل پنجم – نقل و انتقال سرمایه و سرمایه گذاری خارجی

این عامل در صدد اینست که درجه باز بودن اقتصاد يك کشور را سنجش نماید. طبیعی است که هرچه اقتصاد يك کشور بازتر باشد شرایط برای آزادي عمل اقتصادي در آن کشور مهیاتر است. یکی اقتصاد آزاد با مرزهای بسته معنی ندارد. از اینرو این عامل بدنبال اینست که از طریق حجم نقل و انتقالات پولی در سطح بین المللی و حجم سرمایه گذاری خارجی به شاخصی جهت سنجش درجه باز بودن اقتصاد کشورها دست یابد. برای این منظور از 8 شاخص زیر استفاده شده است :

- 1- میزان سرمایه گذاری خارجی
- 2- محدودیت در اعمال مالکیت خارجیان بر بنگاهها
- 3- محدودیت در سرمایه گذاری در شرکتهایی که وارد بازار جهانی می شوند
- 4- محدودیت در عملکرد شرکتهای خارجی در اقتصاد ملی
- 5- امکان پذیر بودن مالکیت زمین توسط خارجیان
- 6- رفتار مشابه دولت با سرمایه گذاران داخلی و خارجی
- 7- محدودیت در انتقال درآمدهای حاصله از سرمایه گذاری خارجی به خارج کشور
- 8- آماده بودن تامین منابع مالی داخلی برای شرکتهای خارجی

عامل ششم – مالیه و بانکداری

بانکداری محور اساسی تحولات اقتصادي در يك کشور است. هرچه سیستم بانکی کشور به سمت خصوصي سازی بیشتر حرکت کند و از مکانیسم بازار آزاد گسترده تر استفاده نماید اقتصاد کشور از آزادي عمل بیشتری برخوردار است. برای سنجش این عامل از 5 متغیر زیر استفاده شده است:

- 1- مالکیت دولت بر بانکها
- 2- محدودیت در توانایی بانکهای خارجی در باز کردن شعب و شرکتهای تابعه
- 3- نفوذ دولت در تخصیص اعتبارات
- 4- مقررات دولتی بر صنعت بانکداری

5- آزادي عمل سيستم بانكي در ارائه انواع خدمات مالي، اوراق بهادار، سياستهاي بيمه اي و غيره.

عامل هفتم – دستمزد و قيمت ها

از جنبه اين عامل، كه بسيار مهم نيز هست، هرچه مردها و قيمت ها از آزادي عمل بيشتري برخوردار باشند، اقتصاد آزادتر و كارآمدتر است. عوامل متعددي مزد و قيمت ها را محدود مي كند. مثلاً "نظام قيمت گذاري دولتي، قانون دستمزد حداقل، يارانه ها و پرداختي انتقالي نمونه هايي از دخالت دولت در نظام قيمت گذاري است. براي سنجش اين عامل از 5 متغير استفاده شده است:

- 1- قانون حداقل مردها
- 2- آزادي عمل بنگاهها در قيمت گذاري محصولات خود
- 3- فعاليت دولت در قيمت گذاري محصولات بنگاهها
- 4- يارانه هاي دولتي و ميزاني كه انحراف قيمت ايجاد مي كنند
- 5- نقش دولت در تعيين مردها

عامل هشتم – حقوق مالكيت

يكي از شرايط بي چون و چراري مكنانيسم مطلوب بازار آزاد حفاظت از حقوق مالكيت است. به رسميت شناختن مالكيت، حراست از مالكيت و نظارت و حمايت قضايي از مالكيت از عناصر مهم حفظ بازار آزاد است. چون در بازار آزاد، آزادي عمل فعالين اقتصادي از اهميت ويژه اي برخوردار است، بنا بر اين حفاظت از مالكيت خصوصي در واقع حفاظت از بازار آزاد است. در صورتيكه هميشه در اقتصاد اين تهديد وجود داشته باشد كه مالكيت بخش خصوصي توسط دولت ضبط شود، مكنانيسم بازار آزاد دچار اختلال مي شود. گذشته از آن وجود قوانين و مقررات لازم و مناسب براي حفظ قراردادهاي تجاري از عناصر بسيار مهم عملکرد بازار آزاد است. براي سنجش اين عامل هفت متغير به شرح زير در محاسبه وارد شده اند.

- 1- استقلال و آزادي دولت از نفوذ دستگاه قضايي
- 2- قوانين تجاري ناظر بر قراردادها
- 3- محروميت موسسات خارجي در مناقشات مربوط به قراردادها
- 4- امكان سلب مالكيت بنگاهها توسط دولت
- 5- فساد در دستگاه قضايي
- 6- تاخير در قضايي
- 7- حمايت حقيقي و قضايي از مالكيت خصوصي

عامل نهم – مقررات

در يك نظام آزاد، براي كسانيكه مي خواهند كار و كسبي را شروع كنند آزادي عمل وجود دارد. وجود بوروکراسي گسترده در استقرار يك شركت يا كارخانه و يا مجوز از وزارت صنايع و وجود قوانين نامناسب و پيچيده در حفاظت از محيط زيست از عوامل بازدارنده گسترش بازار آزاد به شمار مي رود. به طور كلي هرچه قوانين و مقررات دولتي براي توسعه شرکتهای و صنايع توليدي محدوديت ايجاد نماید بازار آزاد با محدوديت مواجه است و درجه آزادي اقتصاد کاهش مي يابد. به منظور ارزيابي و سنجش تناسب قوانين با رشد اقتصادي متغيرهاي زير انتخاب شده اند.

- 1- وجود الزامات اداري براي دريافت مجوز جهت راه اندازي يك موسسه
- 2- سادگي در دريافت مجوز براي شروع يك فعاليت اقتصادي
- 3- وجود فساد در دستگاه اداري دولت
- 4- وجود قوانين كار از قبيل تعطيلي ها، ترك كار، قوانين مرخصي وغيره
- 5- قوانين محيطي، امنيت مصرف كننده و قوانين بهداشت محيط كاري
- 6- ساير قوانين و مقرراتي كه به نوعي براي بنگاه محدوديت ايجاد نمايد.

عامل دهم - بازار سپاه

هرچه اقتصاد آزادتر باشد فعاليت هاي اقتصادي شفاف تر مي شود. شفافيت مسائل اقتصادي موجب مي شود كه بازارهاي زير زميني و سپاه شكل نگردهد. بنا بر اين وجود بازار سپاه نشان دهنده عدم شفافيت و وجود بوروکراسي در بازار آزاد است. بنا بر اين وجود بازار سپاه شاخص مناسبی برای سنجش عدم کارایی بازار آزاد است. به این منظور متغیرهای زیر برای سنجش گستردگی بازار سپاه و عدم کارایی بازار آزاد در نظر گرفته شده است :

- 1- گستردگی قاچاق کالا
- 2- حقوق مالکیت معنوي در بازار سپاه
- 3- حجم توليد کشاورزي كه در بازار سپاه عرضه مي شود.
- 4- حجم توليد صنعتي كه در بازار سپاه عرضه مي شود
- 5- حجم توليد خدمات كه در بازار سپاه عرضه مي شود
- 6- حجم توليد خدمات حمل و نقل كه در بازار سپاه عرضه مي شود.
- 7- حجم نيروي كار عرضه در بازار سپاه

پس از گردآوری آمار در خصوص هر متغیر، این آمارها تبدیل به اعداد 1 الي 5 شده است. امتیاز 1 به متغیري داده شده است كه نشان دهنده سهم آن در آزادي بیشتر اقتصادي است و در صورتيكه يك متغیر امتیاز 5 داشته باشد نشان مي دهد كه سهم مهمي در غيرآزاد كردن اقتصاد دارد. چون تمامی متغیرها امتیاز 1 تا 5 را مي گیرد میانگین این متغیرها نیز بین 1 تا 5 خواهد بود. در اینصورت میانگین 10 عامل نیز عددي بين 1 الي 5 خواهد شد. بنا بر این وقتي امتیاز ايران 4/15 است يعني جزء کشورهای غيرآزاد دنيا قرار مي گیرد. براي این منظور بنياد هريتيچ کشورهای جهان را براساس امتیاز آزادي اقتصادي به چهار گروه به شرح زير تقسيم مي کند:

گروه 1 – کشورهای با اقتصاد آزاد	امتیاز 1/0	تا
گروه 2- کشورهای با اقتصاد تقریباً آزاد	امتیاز 2/0	تا
گروه 3 – کشورهای با اقتصاد تقریباً "غیر آزاد"	امتیاز 3/0	تا
گروه 4 – کشورهای با اقتصاد سرکوب شده	امتیاز 4/0	تا

5/

در اینصورت ایران به همراه کشورهای دیگر با امتیاز بیش از 4 در رده کشورهای با اقتصاد سرکوب شده قرار می گیرد که نشان دهنده محدودیت جدی فعالیت های اقتصادی است. اگر آمارهای تفصیلی ده حوزه مختلف فوق را برای ایران مورد مطالعه قرار دهیم به نتایج جالب توجهی می رسیم. امتیاز 4/15 ایران برای سال 2003 برای 10 عامل باز بودن اقتصاد به شرح زیر است:

امتیاز ایران – سال 2003	عوامل آزادی اقتصادی
3/0	1- تجارت آزاد
2/5	2- محدودیت های بودجه ای
4/0	3- دخالت دولت
4/0	4- سیاست پولی
4/0	5- سرمایه گذاری خارجی
4/0	6- نظام مالی و پولی
5/0	7- قیمت ها و مزدها
4/0	8- حقوق مالکیت
5/0	9- قوانین و مقررات
5/0	10- بازار سیاه

همانطور که ملاحظه می شود حوزه های قیمت ها و مزدها، قوانین و مقررات و بازار سیاه از حوزه های بسته و غیر آزاد کردن اقتصاد ایران است و درخصوص بودجه و آزاد بودن تجارت وضعیت ایران نسبت به سایر حوزه ها مناسب تر است.

در جدول دیگری که در صفحه بعد آمده است شاخص آزادی اقتصادی ایران درمقایسه با سایر کشورهای خاور میانه آمده است. همانطور که مشاهده می شود امتیاز ایران با 4/15 در رده 146 کشورهای جهان و رتبه شانزدهم در خاور میانه است. بنابراین براساس مطالعات انجام شده ایران یکی از بسته ترین کشورهای خاورمیانه جهان است که ضرورت باز کردن و آزاد کردن اقتصاد ایران بسیار مشخص و غیرقابل تردید است.

کشورهایی که بیشترین بهبود را نسبت به سال 2002 در شاخص آزادی اقتصادی داشته اند

کشور	تغییر امتیاز
ماداگاسکار	+0/45
لیبی	+0/45
ایران	+0/40
کوبا	+0/30
قطر	+0/30
ایسلند	+0/25
آفریقای جنوبی	+0/25
قرقیزستان	+0/25
ترکمنستان	+0/25

کشورهایی که بیشترین امتیاز را نسبت به سال 1995 از دست داده اند (آزادی اقتصادی آنها نسبت به سایر کشورهای جهان کمتر شده است)

کشور	تغییر امتیاز
ترکیه	-0/70
ژاپن	-0/65
بلاروس	-0/60
مالزی	-0/60
نیجریه	-0/60
زیمبابوه	-0/60
کره جنوبی	-0/55
پاراگوئه	-0/55
ونزوئلا	-0/50
زامبیا	-0/40

کشورهایی که نسبت به سال 1995 بیشترین بهبود را در شاخص آزادی اقتصادی داشته اند

کشور	تغییر شاخص 2003 نسبت به 1995
آذربایجان	+1/40
ارمنستان	+1/10
کامبوج	+1/0
نیکار اگونه	+1/0
موزامبیک	+0/95
بوسنی	+0/90
هائیتی	+0/80
ماداگاسکار	+0/80
بوتسوانا	+0/80
ویتنام	+0/80

کشورهایی که از نظر درجه آزادی اقتصادی نسبت به سال 2002 وضع نامطلوب تری داشته اند.

کشور	تغییر امتیاز
آرژانتین	-0/45
مجارستان	-0/25
زامبیا	-0/25
نیجریه	-0/25
کره جنوبی	-0/20
یوگسلاوی	-0/20
لهستان	-0/20
گامبیا	-0/20

فهرست ده کشور جهان با بالاترین درجه آزادی اقتصادی

رتبه در جهان	امتیاز در سال 2003	کشور
1	1/45	هنگ کنگ
2	1/50	سنگاپور
3	1/70	لوکز امبورگ
4	1/70	نئوزیلند
5	1/75	ایرلند
6	1/80	دانمارک
7	1/80	استونی
8	1/80	امریکا
9	1/85	استرالیا
10	1/85	انگلستان

فهرست 10 کشور جهان با غیرآزادترین اقتصاد در سال 2003

رتبه در جهان	امتیاز در سال 2003	کشور
146	4/15	ایران
146	4/15	ترکمنستان
148	4/20	برمه
149	4/25	ازبکستان
149	4/25	یوگسلاوی
151	4/30	بلاروس
151	4/30	لیبی
153	4/40	لائوس
153	4/40	زیمبابوه
155	4/45	کوبا
156	5/0	کره شمالی